رئیسی درگذشت عابدین خرم را تسلیت گفت

رئیس‌جمهور در پیامی درگذشت استاندار فقید آذربایجان شرقی را به مردم شریف این استان، خانواده مکرم و همه دوستداران آن فقید سعید تسلیت گفت.
حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدابراهیم رئیسی با تسلیت درگذشت مرحوم زین‌العابدین خرم تصریح کرد: این خدمتگزار متعهد و پرتلاش، با روحیه جهادی و حضور مسؤولانه در عرصه‌های مختلف خدمتگزاری، کارنامه پرباری از خود بر جا گذاشت که به یقین در یاد و خاطره مردم قدرشناس استان آذربایجان شرقی باقی خواهد ماند.

در پی حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به دمشق رخ داد

شهادت ۵ مستشار ایرانی در دمشق

گروه سیاسی: صبح دیروز - شنبه - خبرگزاری رسمی سوریه (سانا) از انفجار در منطقه مسکونی «المزه» دمشق خبر داد. همزمان برخی رسانه‌های محلی و منطقه‌ای اعلام کردند این حمله توسط رژیم صهیونیستی انجام شده و طی آن چند نفر از جمله ۵ مستشار نظامی ایران به شهادت رسیده‌اند.

به گزارش «وطن امروز»، ساعتی بعد وزارت دفاع سوریه اطلاعیه‌ای به این شرح صادر کرد: حدود ساعت ۱۰:۲۰ صبح (به وقت محلی) شنبه، دشمن اسرائیلی از سمت جولان اشغالی سوریه یک ساختمان مسکونی در محله المزه شهر دمشق را هدف قرار داد و پدافند دفاعی با موشک‌های دشمن مقابله و برخی از آنها را ساقط کرد. این تجاوز به شهید و زخمی شدن شماری از غیرنظامیان و ویرانی کامل این ساختمان و خسارت به ساختمان‌های مجاور منجر شد.

پس از انتشار بیانیه وزارت دفاع سوریه، شبکه خبری المیادین در خبری اعلام کرد ۵ نفر از شهدای حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به منطقه المزه، از نیروهای مستشاری ایران هستند.

حوالی ظهر دیروز روابط عمومی سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای، این خبر را تایید کرد.

متن اطلاعیه روابط عمومی سپاه به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در پی اقدام متجاوزانه رژیم ددمنش و جنایتکار صهیونیستی در حمله هوایی به دمشق، ۵ نفر از مستشاران نظامی سپاه و مدافعان حرم و تعدادی از نیروهای سوریه به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

شهادت شهیدان «حجت‌الله امیدوار»، «علی آقازاده»، «حسین محمدی» و «سعید کریمی» را به حضرت ولیعصر(عج)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا مدظله‌العالی، خانواده‌های معظم شهیدان و آحاد فرماندهان و رزمندگان جبهه مقاومت اسلامی تبریک و تسلیت می‌گوییم.

گفتنی است بعد از ظهر دیروز روابط عمومی کل سپاه در اطلاعیه تکمیلی از شهادت پاسدار مدافع حرم «محمدامین صمدی» از مجروحان جنایت تروریستی رژیم صهیونیستی در دمشق خبر داد.

■ **اربیل، حیفا و...**

خبر حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به دمشق و شهادت ۵ مستشار ایرانی در حالی منتشر شد که به اعتقاد کارشناسان سیاسی و دفاعی، رژیم صهیونیستی در حال تکاپو برای ایجاد یک موازنه نظامی با جبهه مقاومت است.

به اعتقاد کارشناسان منطقه‌ای، حمله موشکی ایران به اربیل و هدف قرار دادن یکی از جلسات مهم موساد در این منطقه، یک ضربه امنیتی و نظامی مهم به رژیم اشغالگر قدس بوده است. به عبارتی ایران در راستای انتقام مشروع خون سردار شهید سیدرضی موسوی، تعدادی از افسران موساد را در اربیل به هلاکت رساند. ورود مستقیم ایران باعث شد یک ضلع جدید عملیاتی در جبهه مقاومت ایجاد شود. ایران اگرچه پیش‌تر در قالب مدیریت و هماهنگ‌سازی و پشتیبانی اضلاع مقاومت اقدام می‌کرد اما با حمله به اربیل و هلاکت افسران موساد، هندسه مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی تقویت و تکمیل شد.

از سوی دیگر تشدید حملات مکرر به منافع رژیم صهیونیستی در دریای سرخ توسط ارتش ملی یمن نیز باعث شد طی هفته‌های اخیر سطح و شدت ضربات به صهیونیست‌ها افزایش یابد. حمله موشکی و پهپادی مقاومت عراق و مقاومت سوریه به بلندی‌های جولان اشغالی و ماجرای حمله مهم به بندر حیفا که روز جمعه اتفاق افتاد و رژیم صهیونیستی تلاش کرده است اخبار آن را سانسور کند، نشان می‌دهد ماهیت تقابل رژیم صهیونیستی با جبهه مقاومت، از نوع تلاش برای بقاست و نه پیروزی در جنگ. از همین رو کارشناسان می‌گویند حمله مجدد رژیم صهیونیستی به سوریه و شهادت ۵ نفر از مستشاران ایرانی در واقع نه در راستای یک استراتژی جنگی مبتنی بر تغییر محاسبات و راهبردها، بلکه صرفا اقدامی برای وارد ساختن یک ضربه به جبهه مقابل است. کما اینکه پس از ترور شهید سیدرضی موسوی و شهید صالح العاروری، وضعیت میدان به زیان صهیونیست‌ها پیش رفت و سطح و دامنه حملات جبهه مقاومت به رژیم صهیونیستی افزایش یافت.

ضمن اینکه به اعتقاد فرماندهان میدانی جبهه مقاومت، رژیم صهیونیستی به دلیل اطمینان یافتن از قطعی بودن شکست در جنگ اخیر تلاش می‌کند با توسعه جنگ و درگیر کردن کل منطقه، راهی برای فرار از این شکست پیدا کند. در بیانیه‌ای که جهاد اسلامی درباره حمله تروریست‌های صهیونیست به دمشق و شهادت مستشاران ایرانی منتشر کرده، این موضوع مورد اشاره قرار گرفته است.

در بیانیه جنبش جهاد اسلامی فلسطین آمده است: «این تجاوز که فرماندهان سپاه ایران را هدف قرار داده است، در چارچوب تلاش‌های رژیم غاصب صهیونیستی برای صادر کردن شکست نظامی خود در میدان نبرد با گسترش دامنه تجاوزاتش در منطقه قرار می‌گیرد. این ترورها همبستگی ما را افزایش می‌دهد و ما را از ادامه نبرد خود با دشمن دلسرد نمی‌کند و خدشه‌ای به حمایت سوریه از مساله فلسطین وارد نخواهد کرد».

[حق پاسخ متقابل محفوظ است]

تجاوز رژیم صهیونیستی به منطقه مسکونی المزه دمشق که به شهادت ۵ مستشار نظامی ایران و تعدادی از نیروهای محلی منجر شد، از سوی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بشدت محکوم شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه ضمن محکوم کردن اقدام جنایتکارانه و متجاوزانه رژیم صهیونیستی، نقض مکرر حاکمیت و تمامیت سرزمینی سوریه و تشدید حملات متجاوزانه و تحریک‌آمیز به اهداف مختلف در خاک سوریه توسط رژیم مجرم و کودک‌کش صهیونیستی را، گویای عجز و درماندگی این رژیم در میدان نبرد و مبارزه با نیروهای مقاومت در غزه و کرانه باختری در بیش از ۱۰۰ روز گذشته و تلاشی مذبوحانه برای گسترش بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه خواند.

ناصر کنعانی در این ارتباط گفت: شایسته است دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، نسبت به اقدامات متجاوزانه، تروریستی و جنایتکارانه رژیم صهیونیستی واکنش صریحی داشته و آن را به طور قاطع محکوم کنند.

سخنگوی وزارت امور خارجه خاطرنشان کرد: مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران که به دعوت رسمی دولت سوریه در این کشور حضور دارند، نقش مهمی در کمک به دولت، ارتش و ملت سوریه برای مبارزه با تروریسم و کمک به برقراری صلح، ثبات و امنیت پایدار در این کشور طی سالیان گذشته داشته و همچنان دارند.

کنعانی ترور مستشاران نظامی ایران از سوی رژیم صهیونیستی را به روشنی گویای پیوند عمیق و سازمان‌یافته بین این رژیم تروریست با گروه‌های مختلف تروریستی و داعشی در منطقه برشمرد.

وی با بیان اینکه بی‌تردید خون این شهیدان والامقام هدر نخواهد رفت، افزود: جمهوری اسلامی ایران علاوه بر پیگیری سیاسی، حقوقی و بین‌المللی این اقدامات متجاوزانه و جنایتکارانه، حق خود را در پاسخ متقابل به تروریسم سازمان‌یافته رژیم جعلی صهیونیستی در زمان و مکان مقتضی محفوظ می‌دارد.

رهبر انقلاب از کدام توطئه دشمن سخن گفتند؟

نگاه

ادامه از صفحه اول

به هر حال جنگ پایان یافته و دوران سازندگی آغاز شده بود و دولت قصد داشت با سیاست تعدیل اقتصادی عقب‌ماندگی‌ها و ویرانی‌ها را جبران کند. طبق برنامه اول توسعه مصوب سال ۶۸ در مجلس شورای اسلامی، بنا شد جمعیت به مرور کاهش یابد تا طی ۲۲ سال نرخ باروری کل در سال ۹۰ به ۴ نوزاد به ازای هر مادر برسد. یعنی عدد ۶ به ۴ تبدیل شود و نرخ رشد جمعیت از ۳٫۲ به ۲٫۳ درصد برسد. این شروع برنامه کاهش جمعیت ایران بود. اما دیدیم شعار «۲ بچه کافیست» تبدیل شد به ملکه ذهنی مردم ایران. برنامه ۲۰ ساله در عرض ۵ - ۴ سال جواب داد، به گونه‌ای که سال ۷۵، نرخ رشد جمعیت به عدد ۲ رسید. ۳ دهم درصد کمتر از چیزی که بنا بود سال ۹۰ محقق شود.

متاسفانه ماجرا به همین‌جا ختم نشد و ادامه یافتن سیاست‌های کاهش جمعیت و تغییرات اساسی در سبک زندگی و نوع نگاه مردم، این سیر کاهش را پرشتاب ادامه داد. تا امروز که رسیده‌ایم به رقم نرخ رشد ۶ دهم درصد و نرخ باروری یک و ۲ دهم!

در حال حاضر نرخ باروری در کشور ما در رتبه ۱۴۶ جهان واقع شده است. یعنی کمتر از ترکیه با رتبه ۱۱۰، فرانسه با رتبه ۱۱۸، آمریکا با رتبه ۱۲۲ و انگلیس با رتبه ۱۳۷! زنان ایرانی از زنان همه این کشورها کمتر فرزندآوری دارند.

با تداوم روند کنونی، پیش‌بینی می‌شود ظرف ۲۰ تا ۲۵ سال آینده نرخ رشد جمعیت ایران به عدد صفر درصد سقوط کند.

برنامه کاهش جمعیت مطمئنا یک نسخه غربی بود. مقام معظم رهبری فروردین ۹۷ در سخنرانی اول سال به مسؤولان کنایه‌ای زدند و فرمودند: «مدیران چنانکه باید و شاید به این نسخه اسلامی که «تَنَاکَحوا تَناسَلوا تَکثُروا فَاِنی اُباهی بِکُمُ الاُمَمَ یَومَ القِیامَه» عمل نمی‌کنند؛ به نسخه غربی عمل می‌کنند! این یکی از موانع پیشرفت ما است. سیاست «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، سیاست اروپایی و غربی است؛ خودشان هم عمل کردند و امروز دچار مشکلند؛ دارند جایزه می‌دهند که خانواده‌ها فرزنددار بشوند؛ می‌خواهند جبران کنند عقب‌ماندگی را اما فایده هم ندارد. این سیاست را، نسخه غربی را [بعضی‌ها] قبول کردند».

شروع برنامه کاهش جمعیت شاید کار درستی بود اما چون چشم‌بسته با نسخه غربی کار جلو رفت، فرهنگ را تغییر دادند. وقتی سیاستی با تغییر فرهنگ جلو می‌رود، یعنی یک برنامه بلندمدت یا دائمی در نظر دارد اما به تبع سیاست کاهش جمعیت اقداماتی صورت گرفت که موجب تاثیر بلندمدت یا شاید دائمی بر جامعه ایرانی شد؛ یک سری اقدامات همزمان که زندگی ایرانی را زیرورو کرد. پیشگیری دستوری از بارداری، خانه‌های آپارتمانی، اشتغال وسیع زنان در مشاغل نامتناسب با نقش‌های خانوادگی و مادری، جریمه(!) خانواده‌های پرفرزند و... .

■ **نسخه غربی چگونه به برنامه کنترل جمعیت راه یافت؟**

برژینسکی، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا چند سال پیش به سیاستمداران آمریکایی گفته بود: «از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و گفت‌وگوها با تهران را حفظ کنید. بالاتر از همه بازی طولانی‌مدتی را انجام دهید؛ چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست».

اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد تصمیم کنترل جمعیت یک تصمیم داخلی صرف نبوده و صندوق جمعیت سازمان ملل هم در اتخاذ تصمیم تحدید نسل ایران سهیم بوده است. مثلا نفیس صدیق، معاون دبیر کل و رئیس وقت صندوق جمعیت سازمان ملل در سفر به ایران می‌گوید: «گفت‌وگوهایی که متعاقب سرشماری سال ۱۳۶۵ در سال ۱۹۸۸ با دولت ایران صورت گرفت، به آن منجر شد که دولت در برنامه نخست توسعه، کنترل جمعیت را در نظر بگیرد». پس علی‌القاعده غیر از اراده مسؤولان دولتی وقت، اراده‌های دیگری نیز بوده‌اند که اسباب اتخاذ این سیاست را فراهم آورده‌اند. دکتر نفیس صدیق، با اصالت پاکستانی و تفکر آمریکایی، نخستین زنی بود که به معاونت دبیر کل سازمان ملل منصوب شد. این زن فمینیست که درس‌خوانده آمریکا بود، نقش مهمی در تحدید نسل کشورهای اسلامی ایفا کرد.

۴ نهاد بین‌المللی شامل صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA)، سازمان جهانی بهداشت (WHO)، بانک جهانی (World Bank) و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF)، برای کنترل جمعیت در کشور ما فعال بودند. محور فعالیت‌های آنها ترویج استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری به کمک وزارت بهداشت بود. برنامه آنان از طریق وام‌هایی که به دولت می‌دادند محقق می‌شد. این وام‌های متعدد دست بیگانه‌ای را که برای نابودی ما نقشه داشت، در مساله جمعیت کشور باز کرد.

مثلا بانک جهانی سال ۷۲ یک وام ۱۴۱ میلیون دلاری را برای اجرای برنامه کاهش جمعیت به مرور به دولت وقت ایران داد که شرط اعطای وام، اجرای برنامه به مدت ۱۰ سال زیر نظر این بانک بود. به این صورت که یک واحدی به نام اداره تنظیم خانواده در وزارت بهداشت کشور ایجاد شد که برنامه‌هایش را نمایندگان بانک جهانی تعیین و هماهنگی می‌کردند. دولت هم هر ماه باید به این بانک گزارش می‌داد. کارشان چه بود؟ افزایش استفاده از وسایل پیشگیری و تنوع در روش‌های پیشگیری از بارداری بر اساس شاخص‌های برنامه بانک جهانی. راهبردشان هم این بود که ایران باید در تولید وسایل پیشگیری خودکفا شود. همچنین زیر نظر بانک جهانی کارشناسی تحت عنوان بهورز آموزش داده و به مراکز روستایی فرستاده شد.

وام ۲۵ میلیون دلاری صندوق جمعیت سازمان ملل نیز یکی از آن کمک‌ها بود که شنیده شده جهت ایجاد مراکز عقیم‌سازی زنان و مردان اعطا شد. آموزش پزشکان ایرانی جهت این عمل، گنجاندن مباحث جمعیتی، تاسیس انجمن‌های غیردولتی تنظیم خانواده توسط زنانی که در خارج از کشور برای این امر آموزش دیده بودند و... از نتایج این وام بود. این برنامه‌ها پشت سر هم انجام می‌شد و به هیچ کدام نمی‌آمد برای اهداف کوتاه‌مدت طراحی و اجرا شده باشند؛ در حالی که هدف آماری کاهش جمعیت ایران همان سال‌های ۷۳ -۷۲ محقق شده بود. شعارهای ظاهرا زیبای سلامت مادران باردار، پیشگیری از اچ‌آی‌وی، بارداری ایمن، حقوق زنان و دختران، سلامتی دختران نوجوان، برابری جنسیتی و... در کنار شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» که از درون زایشگاه تا خیابان و پارک و درمانگاه و مدرسه و تبلیغات و فیلم‌های تلویزیونی و سینما و حتی بسته کبریت و پفک نمکی جلوی چشم مردم بود، میخ تابوت رشد جمعیت رویایی ایران عزیز را محکم کوبید. همه اهداف کثیف نسخه غربی در قالب شعارهای قشنگ محقق شد. مثلا تحت عنوان شعار بارداری ایمن و بهداشت باروری، سن باروری را محدود به ۲۰ تا ۳۵ کردند که این سن در اروپا ۴۲ سال است. افرادی که خارج از این سن یا با فاصله‌ای کمتر از چیزی که شبکه بهداشت اعلام می‌کرد باردار می‌شدند، با رفتار تحقیرآمیز آموزش داده شده به بهورزان در دوره‌های سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی روبه‌رو می‌شدند که از خاطرات بسیار تلخ آن دوران برای بسیاری از زنان و مادران کشور است.

■ **حکایت عذرخواهی تلخ رهبری**

مقام معظم رهبری تاکنون چند بار بابت مسأله کاهش جمعیت و اجرای سیاست‌های آن عذرخواهی کرده‌اند و فرموده‌اند: «...این را (سیاست تحدید نسل) متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسؤولان کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد» (بیانات در اجتماع مردم بجنورد، سال ۱۳۹۱).

عذرخواهی رهبری در حالی است که شواهد متعددی نشان می‌دهد ایشان در همان زمان با این سیاست مخالفت و آن را توطئه دشمن دانسته بودند. یکی از شواهد این قضیه نقل قول دکتر سیدعلیرضا مرندی است که سال ۹۳ در مصاحبه با فارس گفته بود: «در دوران ریاست‌جمهوری آقا موقعی که برای افتتاح انستیتو پاستور می‌رفتند، در ماشین ایشان نشستم و در تمام راه برای‌شان موضوع کنترل جمعیت را تشریح می‌کردم و استدلال می‌آوردم اما ایشان به‌شدت مخالف بودند». همچنین وی در مصاحبه دیگری در سال ۹۵ به خاطره‌ای از مقام معظم رهبری اشاره می‌کند که در دوران ریاست‌جمهوری‌شان به دکتر مرندی گفته‌اند: «نگذار شعارهای زمان شاه که ۲ فرزند کافی است زنده شود». سال ۶۸ که آیت‌الله خامنه‌ای تازه به رهبری رسیده بودند، در دیدار بیعت اقشار مختلف مردم فرمودند: «ما اگر ۲ برابر این هم جمعیت داشته باشیم باز هم می‌توانیم بدون کمترین نیازی به کشورهای دیگر خود را به بهترین وجه اداره کنیم. این ظرفیت خوب هم در خاک پربرکت ما هم در استعدادهای انسانی ممتاز کشور و هم در دستورات و روش و قانون اساسی هم در مسؤولان ما وجود دارد». اعتقاد رهبری به مطلوب بودن افزایش جمعیت در حالی است که نخستین رد پای برنامه کاهش جمعیت، همان سال در برنامه اول توسعه توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد. در کتاب علامه تهرانی هم نقل قولی از فرزند آیت‌الله خرازی هست که گفته مقام معظم رهبری همان موقع در دیدار هیات دولت فرموده بودند من حدس می‌زنم این [برنامه کنترل جمعیت] یک نقشه خارجی باشد و با آن موافق نیستم. در تمام دوران اجرای قانون کنترل جمعیت هم هیچ نقل قولی از رهبری در تایید این کار وجود ندارد. با این وجود تنها شخصی که بعد از این همه سال از اثبات غلط بودن تداوم ۳ دهه سیاست کنترل جمعیت، بزرگوارانه عذرخواهی کرده ایشان هستند. در حالی که نقش‌شان در این قضیه در حد مسؤول جمهوری اسلامی بودن در دوران اجرای سیاست است و حتی موافقتی از ایشان در این زمینه وجود ندارد. شنیدن این عذرخواهی‌ها برای کسانی که دلبسته ایشان هستند و از عدم تقصیر ایشان مطلعند بسیار تلخ و جانسوز است. آیا زمانی می‌رسد که لااقل چند نفر از دست‌اندرکاران مستقیم سیاست مخرب تحدید نسل حاضر شوند به خطای خود اعتراف کنند؟ بیان مسائل پشت‌پرده مانند اعتراف به تعهد دادن در اجلاس قاهره و کنفرانس جمعیت و توسعه مبنی بر به صفر رساندن جمعیت ایران، انتشار کتاب احکام تنظیم خانواده از طرف بانک جهانی، نقش جاسوسانی چون باقر نمازی در انجمن تنظیم خانواده... و اعتراف‌شان به نفوذ مستقیم دشمن بماند!

اخبار

سخنگوی قوه‌قضائیه درباره بازگشت معین به ایران: از بازگشت علاقه‌مندان به وطن استقبال می‌کنیم

چراغ سبز قضایی

سخنگوی قوه‌قضائیه روز گذشته در پاسخ به سوالی درباره بازگشت برخی خوانندگان لس‌آنجلسی به کشور گفت دستگاه قضایی از بازگشت همه علاقه‌مندان به وطن استقبال می‌کند. ستایشی البته این را هم گفت که آن عده از ایرانیانی که اقدامی علیه امنیت ملی یا جرمی مرتکب نشده‌اند، می‌توانند نسبت به تردد به ایران اقدام کنند.

به گزارش «وطن امروز»، اخیرا وزیر ارشاد در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره امکان بازگشت «نصرالله معین» از خوانندگان ایرانی مقیم خارج از کشور گفت امکان بازگشت برای وی فراهم است. این اظهارنظر محمدمهدی اسماعیلی باعث شد برخی طیف‌های سیاسی نسبت به بازگشت هنرمندان ایرانی مقیم خارج از کشور شبهاتی را ایجاد کنند. از جمله اینکه برخی عناصر اصلاح‌طلب درباره برخورد قضایی در صورت بازگشت به ایران مطالبی را منتشر کردند.

دیروز اما سخنگوی قوه‌قضائیه مطالب صریحی درباره امکان بازگشت ایرانیان خارج از کشور مطرح کرد.

سخنگوی قوه‌قضائیه در پاسخ به امکان بازگشت خوانندگان خارج‌نشین مانند نصرالله معین به کشور گفت: به صراحت اعلام می‌کنیم نگاه قوه‌قضائیه استفاده از ظرفیت همه دلسوزان به این آب و خاک و بازگشت همه علاقه‌مندان به وطن است و ما از این موضوع استقبال می‌کنیم. به گزارش خبرگزاری‌ها، مسعود ستایشی روز گذشته در پاسخ به سوالی در این باره اظهار داشت: قوه‌قضائیه بر این نگاه و اعتقاد استوار است که باید نسبت به بازگشت ایرانیان عزیز به موطن خود هر گونه مساعدت ضابطه‌مند و حداکثری را به کار گیرد تا برخی موارد حقوقی و قضایی که فراروی این قضیه وجود دارد، مانع بهره‌مندی این عزیزان از وطن‌شان نشود و ما بر نتیجه‌گیری از این تلاش‌ها نیز استوار هستیم. وی افزود: پیشنهاد ریاست قوه‌قضائیه این بود که شورای عالی ایرانیان خارج از کشور که در این امر تصمیم‌گیرنده است، سازوکارهای لازم را در این رابطه و تحقق آن تهیه و متضمن پیشنهادهای خود در این زمینه ارائه کند، زیرا این موضوع باعث می‌شود تضامین لازم به صورت عملی به ایرانیان خارج از کشور داده شود و در مقابل هم قانون رعایت شود و خللی در این موضوع حادث نشود، چون یکی از افتخارات ما قانون‌مداری و قانونمند بودن است. سخنگوی قوه‌قضائیه نگاه دستگاه قضایی در زمینه بازگشت ایرانیان خارج از کشور را اعتمادسازی و مقابله با اعتمادزدایی دانست و ادامه داد: هم ایجاد اعتماد می‌کنیم و هم با کسانی که اعتماد را زایل می‌کنند، برخورد می‌کنیم که البته این یک مساله پیچیده و سخت است که با دقت باید به آن عمل کرد. ستایشی با بیان اینکه عده‌ای در داخل و خارج کشور برای دور شدن هرچه بیشتر ایرانیان خارج از کشور از وطن‌شان در حال هراس‌افکنی و تلاش مضاعف هستند، اظهار داشت: مقامات مسؤول جمهوری اسلامی ایران با ایجاد فضای مناسب به صراحت می‌گویند ایرانیانی که خارج از کشور هستید، اگر مرتکب جرمی نشدید و تعرضی نکردید و خیانتی به مصالح کشور نکردید، بیایید و حضور پیدا کنید اما در مقابل این تفرقه‌انداران تلاش مضاعف می‌کند که اینها نیایند؛ چرا؟ چون آنها می‌دانند اگر ظرفیت‌ها از سراسر جهان بیایند و حضور پیدا کنند، کاسبی‌های این تفرقه‌اندازها کساد می‌شود. وی از شورای عالی ایرانیان خارج از کشور خواست سازوکارهای لازم در این زمینه را سریع‌تر اعلام و تایید و برای اجرا ابلاغ کند. ستایشی تأکید کرد: به صراحت اعلام می‌کنیم نگاه قوه‌قضائیه استفاده از ظرفیت همه دلسوزان به این آب و خاک و بازگشت همه علاقه‌مندان به وطن است و ما از این موضوع استقبال می‌کنیم. سخنگوی قوه‌قضائیه خطاب به ایرانیان خارج از کشور گفت: این پیام من در حد بضاعت خودم است و امید است به دل شفافی که این پیام گفته می‌شود، به دل هموطنان ما بنشیند. کسانی که مشکلی ندارند و مرتکب جرم نشدند، بیایند و حضور پیدا کنند و همه تلاش کنیم پرچم مقدس ایران هر چه بیشتر به اهتزاز درآید.

یادداشت روز

ترور نیابتی سردار ایرانی

ادامه از صفحه اول

به عبارت دقیق‌تر، عملیات پیشدستانه ایران با کمترین هزینه برایش بوده اما عملیات رژیم صهیونیستی می‌تواند جبهه مقاومت را در سوریه یا لبنان، شعله‌ور و ترور را به جنگ ویران‌کننده علیه اسرائیل بدل کند.

۶- جمهوری اسلامی در عملیات اربیل از صفر تا صد بر توانمندی اطلاعاتی و عملیاتی خود متکی بود، در حالی که رژیم صهیونیستی از پشتیبانی سیا و همراهی جاسوسی کشورهای دیگر برخوردار بود. یادمان نمی‌رود ۷ ماه پیش نام صادق امیدزاده در واشنگتن‌پست مطرح شد و گرا به تیم‌های ترور داده شد. نکته جالب توجه اینکه در مطلب این نشریه آمریکایی، از این شهید بزرگوار به عنوان طراح و مغز متفکر اخراج آمریکا از سوریه نام برده شده بود و چه بجاست که وی را شهید تقابل با آمریکا و شیطان بزرگ بدانیم. رژیم صهیونیستی به واقع سپر بلای آمریکا در منطقه و مجری طرح‌های آن است و هویتی از خود ندارد. اینکه آمران ترور را آمریکایی‌ها و عاملان آن را صهیونیست‌ها بدانیم واقعیتی است که قابل کتمان نیست و بهای آن نیز فقط و فقط اخراج آمریکا از سوریه و کل منطقه است.